

گفت و گوی صبا با عوامل برنامه سحرگاهی «صبح روز بعد»

اسم این خانه رفاقت است

نیره رضایی مطلق
گفت و گو

امسال شبکه دو آنتن ویژه سحر گاه ماه رمضان را به برنامه «صبح روز بعد» اختصاص داد؛ برنامه‌ای که با اجرای فرزاد جمشیدی هر شب روی آنتن رفت و سید احمد موسویان تهیه‌کنندگی و هادی نعمت‌اللهی کارگردانی آن را بر عهده داشته‌اند. برنامه «صبح روز بعد» که به دلیل ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی که با سایر برنامه‌ها داشت، توانست نظر مخاطبان گسترده‌ای را به خود جلب کند. از حضور فرزاد جمشیدی در مقام مجری مؤلف که اجرای صمیمی، فاخر و گرمی را روی آنتن برد تا آیتم‌های متفاوتی که تاکنون در برنامه‌های سحرگاهی به آن نپرداخته‌اند. هر چند قصه دکور در این برنامه هم برای خودش حکایتی بوده است. اینکه برای هر آیتم یک دکور در نظر گرفته شود ایده‌ای سخت اما ممکن و جذاب است که این برنامه آن را عملی کرده است. برج میلاد این روزها میزبان برنامه‌سازی است که از غروب تا سحر گاه رمضان فضای برج میلاد را با دکورشان رضایی کرده‌اند. هر چند جذابیت این دکور به نوعی سبب شده این برنامه بدون تماشاگر با انبوه بازدیدکنندگان مشتاق روبرو شود و در نهایت با راه‌روی روزهدارانی که سحر گاه را در برج میلاد سپری می‌کنند باز کند. تجربه ساخت برنامه مناسبی رضایی خارج از استودیوهای صداوسیما همیشه سخت اما شیرین بوده است چرا که عوامل دکور، مدیر صحنه و دستیاران کارگردان فضای خوبی برای نمایش داشته‌اند و البته این بار همراهی معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران فضا را برای تولید این برنامه که نگاهی اجتماعی و فرهنگی به موضوعات جامعه دارد فراهم کرده است. خبرنگار صبا با هماهنگی آقارخی مدیر رسانه‌های برنامه در جمع روحانی و رضایی این گروه با مجری، تهیه‌کننده و کارگردان برنامه صبح روز بعد به گفت و گو نشسته است که در ادامه می‌خوانید.



هستم وی متخصص ادبیات، شعر و نظم و در حوزه تخصصی اش کارشناس است و مجریان هم نباید در حوزه کارشناسی او دخالتی کنند. **حضور مجری مؤلف چقدر می‌تواند مسیر تولید برنامه‌های مناسبی را تغییر دهد؟**

نمی‌توان گفت که مجری هیچ متنی از کسی قبول نکند و مجریان را موظف کنیم که خودشان بروند و متن را تهیه کنند، چون این کار عملی نیست. برنامه تلویزیون باید سردبیر داشته باشد یعنی فقط آن متن‌ها را از زیر نظر بگذرانند و متنی که مجری تهیه کرده را بخواند و اجازه پخش دهد. از این رو بودن یک مجری مؤلف در برنامه تأثیر بسزایی دارد. بارها دیده شده که یک برنامه خیلی بد با مجری خوب موفق شده و از سوی دیگر یک مجری بد، برنامه خیلی خوب را به زمین زده است. در واقع مردم مجری را می‌بینند و مجری باید الزاماً مجری مؤلف باشد و یا حداقل تفاوت متن بد و خوب را حین اجرا تشخیص دهد.

انتخاب و تهیه متن‌های برنامه با خود شماست یا پیشنهاد تهیه‌کننده و دیگر همکاران در این حوزه است و این اطلاعات را بیشتر از چه منابعی به دست می‌آورید؟

از روزی که در تلویزیون کار کردم هیچ کس متنی به من نداده است و آنچه در برنامه ارائه می‌شود را خودم می‌نویسم و شکر خدا تاکنون کسی تذکری به من نداده است. در برنامه «صبح روز بعد» برای بخش زندگی شخصیت‌های ملی مذهبی اناق فکر داریم که منابع مطالعاتی در آن معرفی می‌شود. دکتر حامد قدیری منابع تحقیقی که تهیه کرده در اختیار من قرار می‌دهد. همچنین دوستان دیگر نیز کتاب‌های مرتبط با آن شخصیت را هم به من معرفی می‌کنند.

پس بیان شما از زندگی این افراد برگرفته از نگارش خودتان است؟

اینکه چطور بار دراماتیک به آن داستان‌ها بدهم بر عهده خودم است

رسانه ملی یک لوح تقدیر به من دادند که در متن آن نوشته بود اجرای سرخوشانه. خوشحال بودم از این تعبیر چرا که وقت سحر برای من حقیقتاً همان حال و هوایی سرخوشانه است. من همیشه احساس می‌کنم از بهشتی آمده‌ام که در توصیفش لال هستم و باید بتوانم برنامه را خوب برای مردم توصیف کنم. همیشه معتقدم باید بیشتر بخوانم، در یک جمله برنامه سحر برای من تماشای رؤیای بهشت از دور و رازی سرخوشانه است.

توانمندی‌های یک مجری آن هم در یک برنامه زنده معارفی به دایره لغات وسیع و بیان شیوا و رسای او بستگی دارد؛ مشخص است شما در اجرا از منابع متفاوتی بهره می‌گیرید این منابع را چگونه و بر چه محوری جمع کرده‌اید و خلایق در کلام و تسلط بر بیان شما، از چه چیزی ناشی می‌شود؟

نوع اجرای من در برنامه سحر دیالوگ نیست بلکه مونولوگ است. یعنی من مهمانی در برنامه ندارم بنابراین اگر در نظر بگیریم که هر یک دقیقه صحبت در تلویزیون یک ساعت مطالعه می‌خواهد پس باید برای برنامه خودم زحمت زیادی بکشم و از طرفی چون خودم نویسنده متن‌ها هستم با متن بهتر ارتباط برقرار می‌کنم. این روزها در منزل، من در وسط کوهی از کتاب نشسته‌ام تا با تحقیق بهترین کلام‌ها را برای بخش‌های مختلف برنامه استخراج کنم.

به نظر شما چقدر برنامه‌های مناسبی و یا سحرگاهی به مجری مؤلف نیاز دارند؟

خوشحالم از اینکه از اصطلاح کارشناس مجری استفاده کردید. اگر ما در رسانه ملی می‌توانستیم افراد را بر مبنای کارشناسی یا فقط مجری بودن قرار دهیم آن وقت این افراد فقط در حوزه کارشناسی خود می‌مانند و دیگر عنوان مجری به آن‌ها نمی‌دادیم. به طور مثال دوست و سرور عزیزمان اسماعیل آذر هیچ وقت ادعا نکردند که من مجری تلویزیون

فرزاد جمشیدی:

مجریان، تلویزیون را با مسجد محل اشتباه گرفته‌اند

وقتی صراحت و سادگی کلام و بیان دلنشین فرزاد جمشیدی با طعم شیرین سحرگاهان ماه رمضان درمی‌آمیزد، «صبح روز بعد» جلوه‌ای دیگر پیدا می‌کند. اجرا برای جمشیدی در حکم یک حرفه نیست بلکه وظیفه‌ای آسمانی و خدایی است. هنوز هم مخاطبان آگاه او را با اجرای برنامه «ماه خدا»، ویژه سحرگاهی ۱۳۸۹ شبکه یک سیما که با نوای بسم‌الله النور در فضای روحانی دستانش را بالا می‌گرفت و برای بیماران و حاجتمندان با بیان و ادبیات خاصش دعا می‌کرد به یاد می‌آورند. او سحرگاه مخاطبان را با نوش نیایش‌ها و طعم شاعرانه گل‌واژه‌های نغز و پرمغز کلامش لقمه می‌گرفت و طعم ملکوت را به آن‌ها می‌چشاند. حالا در رمضان ۱۴۰۲ او بار دیگر مهمان سفره‌های سحری مردم شده است.

اجرای برنامه سحرگاهی «صبح روز بعد» برای مخاطبان یاد آور چهره و صدای شماست؛ از حس و حال این اجرا و جذابیت‌های آن و سال‌ها غیبت روی آنتن زنده بگویید؟

هیچگاه اجرای برنامه سحر را به عنوان یک اجرای موسمی، مناسبتی، تقویمی و تکلیفی ندیدم بلکه این اجرا برای من بسیار دلپذیر است. از آن جهت که از زمانی کودکی ام نیز وقت سحر برای من هیچگاه ریاضت نبوده است. اتفاقاً در یکی از پلاتوهای برنامه «صبح روز بعد» این موضوع را مطرح کردم. در واقع آنگونه تربیتی که زیر سایه مرحوم پدر و مادرم دیدم و روزهداری‌های ایشان، هیچ وقت رمضان را به صورت یک پادگان ندیدم. این که دین خداوند آنقدر محدود باشد که اگر اطاعت نکنیم خداوند بر ما غضب کند و یا اگر امرش را اطاعت نکنیم چشمتی منتظر برای عذاب ما داشته ما باشد را در باور ندارم.

اولین اجرایتان را به یاد دارید؟
اولین سالی که سحر را اجرا کردم مهندس ضرغامی رئیس وقت